

(سه ابر قدرت ، سه شاه شجاع ...)

تجاوز مستقیم امپریالیزم خون آشام برسیستم نظامی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی کشور دور دگر مبارزه برحق خلق و جنگ مقاومت توده ها را می طلبد ، چه نیروهای اشغالگر تمامیت حیات اجتماعی مردم این سرزمین را زیر سوال قرار داده و استقلال نبوده آنرا بویژه در سی سال آخر فرو تر از انگاشت و باور بی محتوا ساخته است .

شاه شجاع سوم از تیپ شوونیست های تک حجره یی برای اعتبار بخشیدن به ریاست بی اعتبار خویش رنگین بازی های سیاسی و ترفند های مضحکی را زیر سایه یانکی های تفنگدار و پروبال نیروهای هوایی امپریالیستی اعم از انتخابات تقلبی برای ریاست جمهوری ، جرگه های اضطراری ، کمیون سازی و پارلمان بازی به نمایش گذاشته و میگذارد ، درین نمایش های سرکس گونه خیل از غلامان دون همت چپ و راست ، آنانکه بدبختانه چون مور و ملخ به جان وطن و مردم بلاکشیده آن افتاده اند و همواره بیشرمانه در آستان بوسی ، چکمه لیبی ، خوش خدمتی و وطنفروشی از همدیگر گوی سبقت ربوده اند ، برای شاه شجاع خرسک بازی های خنده آوری را براه می اندازند .

دست نشانده امپریالیزم برای اغوا نمودن مردم و منحرف ساختن اذهان توده های ستمدیده شعار **(دموکراسی)** را چون آهنگ متن نمایش ها از زبان سوسماری ارباب یا اربابانش پخش مینماید ، اشعار بلند بالای این تصنیف بازسازی ، امنیت ، خلع سلاح ، آشتی و مصالحه ، مبارزه با اشکال ستم اعم از ملی ، مذهبی ، جنسی و غیره ، محو وامعای تروریزم ، مافیای تریاک ، آدم ربایی ، قاچاق آثار تاریخی ، مبارزه با فساد اداری ، ارتشاء ، فحشا ، جرایم وانحرافات اخلاقی ، مجادله برای بهبود زندگی مردم ورهایی آنها از چنگال فقر ، مرض ، بیسوادی ، بیکاری ، بی خانگی و ... دهها گپ خوشایند ، فریبنده و آرامش بخش دیگر را توصیف و تکرار میکند .

یک نظر اجمالی به وضع سیاسی ، اقتصادی ، نظامی ، اجتماعی و فرهنگی مسلط برکشور شگردهای نمایش را برملا ، دروغ های بزرگ را افشا ، چهره های نقاب پوش بازیگران را رسوا و اهداف نهایی امپریالیزم و یارانش را هویدا میسازد ، یک تشریح کوتاه پیرامون هر یک از این نمونه های به اصطلاح **(دموکراسی)** در درازنای هشت سال

1 - بازسازی؟! که در اصل **(بازی سازی)** بوده یعنی مفهوم بازی **(فریب)** و سازی به معنای **(سازش)** را می رساند که پیوند تنگاتنگ دارد با چاکران دور کرسی و کرسی نشین ها ، آنچه خمس ، زکات ، خیرات و صدقه خواسته یا داده شده میرسد شبیه کلوله برف دست بدست میگردد و در آخر شاید برای دوباره سازی سرزمین ویران شده افغانها فقط همان چرک آبه دست بازیگران فرو میچکد که به هیچوجه مرهم هزارها زخم نخواهد بود ... نمونه سازی به عنوان **(خاله خاطرت نماند)** جغله اندازی چند سرک ، پخته کاری چند جاده ، دوباره سازی و اعمار چند بنا مثل (شفاخانه جمهوریت ، سرک کابل قندهار) و غیره که جوان نشده جوانمرگ شدند ، و مگر در مجموع کنار تمام ویرانه های اندوهبار قد افراشتن پلازها ، مارکیت ها ، هتل ها و بلند منزل های شخصی مربوط امیر ، مارشال ، وزیر ، والی ، وکیل ، قومندان ، فراش و کلاش چپاولگر افاده کننده بازسازی است!!?

2 - دموکراسی؟! در حیطه ای تسلط ببر خون آشام واژه **(دموکراسی)** تمسخر دردناکی است به باور ملت خردشده زیر فشار دیکتاتوری و ستم رژیم های رنگارنگ ، وقتی حق بیان ، تحریر و اشاره بر حقایق ملموس جنایت پنداشته میشود و احدی حق اعتراض بر خودکامگی دستگاه و خودبرش های غیر قانونی را ندارد ، دگر دموکراسی چه مفهومی خواهد داشت ؟ وقتی دروغ و ریا بر رُک و راست بودن خط میکشد و شفافیت در مرداب گندیده کذب مدفون میگردد و یا به زندان ستم زنجیر میگردد ، دگر دموکراسی چه ارمغانی خواهد بود؟!?

3 - امنیت؟! بی محتواتر ازین واژه را مردم افغانستان نمی شناسند ، وقتی دزد در لباس پاسبان ، جانی در شکل بانی و خاین خادم مردم خود را معرفی نمایند ، حضور فعال داشته باشند و در روشنایی آفتاب سرمه را از چشم بربایند ، وقتی گلیم از خانه ها جمع می کنند ، آدم ها را اختطاف مینمایند و به اطفال تجاوز جنسی مینمایند ، وقتی صدای وحشتناک انفجار هرازگاهی از هر گوشه شنیده میشود و قربانی میگیرد آنهم زیر چتر حمایت امپریالیزم و متحدینش ، دگر از دموکراسی حرف زدن گناست!!?

4 - **خلع سلاح؟!** آنکه در طول سالهای دهشت و وحشت با زور سلاح به نوای رسیده چگونه ممکن است سلاح بر زمین بگزارد و چراغ جادو اش را بشکند ، جنگ سالار میداند کدام سلاح را بر زمین بگزارد که (**هم لعل بدست آید** و هم یار نرنجد) زیرا او تجربه کافی در تفنگ بازی دارد ، و چنین است که رژیم شروفساد تا حال داس به کلوخ تیز میکند ، وگرم موفق به خلع سلاح گردد ، مرام ضعیف ساختن رقیبان سیاسی است ، و تخریب سلاح برای رفع نگرانی های اربابش (**عموسام**) !!؟

5 - **مبارزه با انواع ستم؟!**

الف : **ستم ملی؟!** اگر ملیت ها باهم برابر و حقدار در حیات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی افغانستان اند ، پس چگونه است که (**آش را باید از همان کاسه ی دوصدوچندساله بخورند**) و تنها ملیت حاکم بر مقدرات ملیت های دیگر آنها باشند که با هرترفند ، بی حیایی و رسوایی ، استخوان شکنی مینمایند ، حالا از هر قوم و ملیت که باشند پشتون ، تاجیک ، ازبک ، هزاره ، ترکمن ، نورستانی ، بلوچ ، هندو ، پشه یی و غیره ، آنها تا رستاخیز و روز قیامت ، از برکت زور ارباب شان دگر ملیت ها را محروم از مزایای شهروندی و وطنداری نموده ، تحت ستم و فاقد اختیار قرار میدهند ، دگر رفع ستم ملی چگونه خواهد بود !!؟

ب - **ستم جنسی؟!** ستم بر زن اگر ابعاد گسترده ندارد از نظر شکل ، محتوا و ساخت همانگونه است ، ستم ، جفا و ظلم بزرگ به حق زن موجود قابل خُرمت ، که هم مادر است و هم خواهر ، هم همسر است و هم یاور ، او را سنگسار مینمایند ، زنده بگور میکنند و به وی تجاوز مینمایند ، حتا اگر کودک خرد سالی باشند ، دختران خرد سال را به حباله ی نکاح خویش درمی آورند ، وقتی حق انتخاب از آنها حذف شده به شخصیت شان توهین میگردد ، آنها از نهایت بیچارگی خودسوزی مینمایند ، آنها به امر ملا مجددی و ملا محسنی هر روز هزاربار تحقیر و توهین میگردند و

ج - **ستم مذهبی؟!** حکومت های غیرملی و غیرمردمی همیشه و بطور مستدام جهت حفاظت و بقای خویش از پوشش مذهب کار گرفته مخالفین خود را با انواع تعبیر و تفسیرهای من درآوردی مذهبی تکفیر نموده ، صدای اعتراض شانرا خاموش ساخته اند ، درتطور زمان روحانیون مزور ، کاسه لیس ، ریاکار درخدمت دستگاه فاسد ، مستبد ، خودکامه ، جابر و دست نشانده بوده اند ، آنها نقش خویش را درضدیت با ترقی ، نهضت ، انکشاف ، نوآوری و شادمانی بوجه احسن ایفا نموده اند ، ازملای لنگ گرفته تا ملا عمر ، ملاربانی ، ملاسیاف ، ملامجددی ، ملا محسنی و دهها ابلیس دیگر ... (**بی دین بنام دین سردیندار بریده است ، تابر مقام و ثروت دنیا رسیده است**)

6 - **مبارزه با تروریزم؟!** مفهوم کلی تروریزم یعنی « **کشتار انسان** » آدم کشی به هر نوع و عنوانی که باشد ترور است ، وقتی امپریالیزم خون آشام برای بقا ، منفعت و نیل به اهداف استعماری خویش درهر گوشه ازجهان انسان میکشد ، بویژه وقتی درکشورما بلا های (**هفت سر و هشت سر**) را بجان مردم بی دفاع و بیگناه انداخت ، تروریزم را مایه گذاشت ، وقتی (**لشکر جاهل و بی فرهنگ**) را برای پاک کاری سرزمین افغانها از وجود چاکرهای بی کفایت و متمدن خویش گسل نمود و هزارها جفا را بنام اسلام به حق مردم مان کرد ، تروریزم را ترویج نمود ، وقتی به بهانه دفاع از حق مردم امریکا ، انتقام از عاملین حادثه (**یازدهم سپتامبر**) جنگ با القاعده و غیره ، با نیروی سترگ نظامی خود و هم پیمان های خویش به خاک افغانها تجاوز نمود ، برای افغانها بدون خواست شان امیر و سلطان انتخاب کرد تروریزم را وسعت بخشید ... پس آنکه خودش بانی و حامی تروریزم بین المللی باشد چگونه میتواند تروریزم را محو و نابود بسازد ، که هم اکنون در سازش و جوشش با دشمنان سوگند خورده مردم زیر نام عفو عمومی کارسازی میکند « **گنبدیگی مکروب را زایل نمی سازد** »

7 - **مبارزه با مافیای تریاک؟!** وقتی تفنگدار دیروز ، امروز وزیر ، والی ، وکیل ، حکمران ، برادر و خویش و تبار ریس دولت است و مالک مزارع بزرگ کشت و تولید کوکنار ، چگونه میشود مانع زرع تریاک شد که درآمد خالص آن شکم مافیای مواد مخدر را متورم و کمر اقتصاد جنگی شانرا برضد مردم پولادین میسازد ... باز افکار مخدوش ، علیل ، خوابیده ، بی عرضه ، مریض و معتاد بمراتب رحجان دارد نسبت به مفکوره های سالم ، بیدار ، ستیزنده ، بااستعداد و عدالتخواه ، مگر قدرت جهانخوار استعمار و سرمایه چنین نمی خواهد ؟
حالا این معتاد بدبخت هرکی باشد مهم نیست ، یک امریکایی ، یک اروپایی ، یک افریقایی ، یا یک افغان

8 - مبارزه با قاچاق آثار تاریخی!؟

حکایتی بیانگر این وضع است ، روایت شده است که : وقتی گاندی رهبر انقلابی مردم هند برای مذاکره بخاطر استرداد استقلال هندوستان از سلطه ای استعمار بریتانیا به لندن رفت ، همان لباس همیشگی را دربرداشت (که در عکس هایش دیده میشود) ریس تشریفات امپراتوری با احترام گوشزد نمود : « جناب گاندی ! درین محفل روسای زیادی از ممالک بزرگ گرد آمده اند ، و شما با همین لباس میخواهید اشتراک نمایید ؟ »
گاندی جی جواب داد : « شما انگلیس ها برای ما چیزی باقی نمانده اید تا بپوشیم ، به جزمین لنگ و چپک ، همه را تاراج نمودید »

وقتی دار و ندار مادی و معنوی افغانها به دستور سوسیال امپریالیزم ، امپریالیزم ، استعمارگران جهانی و نوکرهای بومی شان چپاول و تاراج گردید ، دگر از قاچاق کدام آثار تاریخی دولت طرار جلوگیری مینماید ؟ شاید از بودای ویران شده !!

9 - مبارزه با فساد اداری!؟ گویند هر معلول علتی دارد ، وقتی ملیون ها مهاجر و آواره به امید کار ، تحصیل ، حفظ آبرو و زندگی بهتر به کشور شان برگشتند ، درسزمین آبیایی شان بی روزی ، بیکار ، بی سرپناه و بی آبرو شدند ، وقتی فقر ، مرض ، بیکاری و بی سوادی بیداد میکند ، آدم ها برای بقای زندگی شان در آشفته بازار غیرمصون گلوی همسایه شانرا میجوئد ، فساد چگونه ریشه کن خواهد شد ؟ اجتماع مکروب زده ای ملاریایی وقتی ضد عفونی و سالم میگردد که سردمداران مفسد ، چپاولگر ، خاین و قافله دزدان حریص بدار فقر ، انصاف یا عدالت آویزان شوند ، آنگاه محیط سالم ، امراض گم و نابسامانی ها سامان میابد . آب اگر از بالا خت باشد ، انتظار آب شیرین و زلال سادگی است ، وقتی حاکم سیب به یغما برد ، رعیت درخت از ریشه برکند ، در شوره زار سرو و سمن نروید و

کوتاه ، این ترجیح بند ها و ترانه های لالایی برای کشور اشغال شده و ملت تحت ستم ، اسیر ، فقیر و در بلا مانده ای افغان آزادی ، رفاه ، نان ، حرمت ، امنیت ، شادی و خواب آرام نمیشود ، حالا از هردهنی که باشد ، از دهن ارباب بدزاد یا غلام خانه زاد .

مگر افغانها ، تاریخ سیاسی و مبارزاتی افغان ها هیچ شاه شجاع و غلام حلقه بگوش خاین را نخواهد بخشید ، ولو با نیرو هر ابر قدرتی بر سریر حکومت نشانده شوند ، آنها همانگونه بدنام تاریخ و شرمسار زمانه خواهند بود
وقتی افغان ها از آزمون زمان پیروز بدرآیند ، آنگاه دشمنان رنگارنگ خودرا شناخته و با انباری از تجربه اندوخته دگر فریب هیچ شغال و شیادی را نخواهند خورد ، آنها در سایه وحدت ملی و پیوند تمام اقوام ساکن درافغانستان مالک خاک و خانه خود شده ، و با درایت در حفظ و پاسداری آزادی و استقلال ، تمامیت خاک ، دموکراسی ، حرمت انسان و ارزش های زندگی کوشا و دقیق خواهند بود .